

مقدمه دکتر علی اکبر سرفراز

سعدیا مرد نکو نام نمیرد هرگز مرده آن است که نامش به نیکویی نبرند بی گمان رشد و تعالی و بالندگی علمی این سرزمین و پیشرفتهای ناشی از آن مرهون تلاش و خدمات علمی و پژوهشی اندیشمندان و محققان بزرگی است که هر یک به نوعی در سربلندی ایران عزیز نقشی بی بدیل داشته و منشأ خدمات شایانی گردیده‌اند. در همین راستا گروه باستان‌شناسی سازمان «سمت» از آغاز فعالیت تاکنون از تجارب و اندوخته‌های شخصیتها و چهره‌های علمی بهره‌های فراوان برده است. از جمله این فرهیختگان مرحوم علی سامی باستان‌شناس و استاد دانشگاه شیراز می‌باشد که عمده تحقیقات منحصر به فرد و ارزنده وی - به رغم گذشت سالیان متمادی - در بین جامعه علمی خصوصاً باستان‌شناسان کشور از اعتبار فراوانی برخوردار است.

شادروان استاد علی سامی علاوه بر تألیف کتابهای تمدن ساسانی و تمدن هخامنشی، قریب سی عنوان کتاب در زمینه فرهنگ و تمدن ایران زمین تألیف کرده‌اند. ایشان علاوه بر ویژگی علمی، انسانی خداپاور، با ایمان و اخلاص بودند به طوری که در نوشته‌های وی می‌توان سجایای اخلاقی، انسانی و علمی را به وضوح درک نمود. وی در سال ۱۲۸۹ ه.ش در شیراز در خانواده‌ای مذهبی دیده به جهان گشود و به دلیل هوش سرشار و فطرت علم‌طلبی ذوق و علاقه بی‌شمار به تاریخ و فرهنگ این سرزمین در سال ۱۳۱۰ ه.ش در ابتدا به کسوت آموزگاری تاریخ مدارس شیراز درآمد و در سال ۱۳۱۳ ه.ش به سرپرستی دانش‌سرای مقدماتی فارس منصوب شد. علاقه وی به آموزش و پژوهش موجب شد که از سال ۱۳۱۸ تا ۱۳۴۰ ه.ش عملاً بر کاوشهای باستان‌شناسی تخت جمشید، پاسارگاد و اتلال باستانی مرودشت نظارت داشته باشند. متعاقب آن سرپرستی تحقیقات علمی تخت جمشید و باستان‌شناسی فارس را برعهده گرفتند و در

طول این مدت ضمن همکاری با هیئتهای حفاری متعدد، با پژوهشگران خارجی بی‌شماری به شناسایی و کاوش آثار باستانی پرداختند که حاصل این تلاشهای مستمر، چاپ کتابها و مقالات متعددی در حوزه تاریخ و باستان‌شناسی ایران زمین است که سازمان «سمت» به دلیل اهمیت این پژوهشها و تحقیقات ارزشمند با هدف دسترسی علاقه‌مندان، با کمترین تغییرات اقدام به انتشار مجموعه‌ای از آنها در چهار مجلد (تمدن ساسانی ۱ و ۲، تمدن هخامنشی ۱ و ۲) نموده است. در پایان ضمن تقدیر و سپاس از همکاریها و مساعدتهای خانواده گرامی آن مرحوم در موافقت با انتشار مجدد این آثار، امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی کشور مورد استفاده سایر پژوهشگران علاقه‌مند به مباحث تاریخ و تمدن ایران قرار گیرد.

دکتر علی‌اکبر سرفراز
مدیر گروه باستان‌شناسی

به ستایش پروردگار بزرگ جهان

و به ولای سرور بزرگوار و برگزیده آدمیان محمد (ص) و جانشینان بر حق و آل و یاران و پیروان پرهیزگار و دوستان او.

آنچه سزاوار شأن اوست از توان گفتار پریشان و کردار ناثواب و اندیشه‌های نارسای ما بیرون است. آنجا که عقابهای سدره‌نشین را بال و پر بریزد. از موجود نادان و ناچیزی چون ما چه خیزد. همان بهتر که دست نیاز به درگاه بی‌نیاز او برداشته و بگوییم: پروردگارا، ما را توفیقی ده که روی نیاز و سر تسلیم به پیشگاه جاودانی و ابدی تو فرود آریم و پیشانی زبونی و ناتوانی به درگاه پر شوکت و بی‌نیاز تو ساییم. نیرویی عنایت فرما تا از نمودها به بودها بگرویم و به گلشنی رهبری مان فرما که از تاراج خزان ایمان در امان باشد.

دادگرا، به شکرانه نعمتهای فراوانی که از آن برخورداریم، فرصتی ده که اندوهی را از دل پردردی بگیریم و گرد ملال از چهره اندوهگینی بزداییم. در دل‌های ما جز تخم مهر و دوستی مکار، و بر سر ما جز باران رحمت مبارک. نهانخانه خاطر را با پرده‌های نادانی و بی‌خبری مپوشان.

آنچه شأن و شایسته لطف خدواندگاریت هست، درباره بندگانت به اکمال، رساندی؛ پند و اندرزهای دلپذیر برای رستگاری ما از زبان فرستادگان و پیغمبران برگزیده خود در گوش جانمان فرو خواندی. ولی دریغ و هزار اوخ که ما نافرمان و ناسپاس گزاریم، تو خود بر آنچه در نهان و آشکارا بر ما می‌رود آگاهی.

با این همه ناسپاسگزاری و نافرمانی، باز ای خدای مهربان، از تو خواهانیم که جانمان را به شور عشق روشنی بخشی و دلی سوزپرور عنایت فرمایی، عشقی که سرآغاز و رمز آفرینش است، عشقی که هیبت طوفان را از دل نوح زدود و به روح

او آرامش بخشید، عشقی که به داود تاخت و الحانهای دلنواز به او بخشید و شوری که برق هستی سوزش، در ید بیضا جلوه گری کرد. شوقی که به غمزه خود هستی مریم را سوخت، عشقی که غار حرا را مهبط الهام و وحی کرد. ما را برای قبول کلام مفید مستعد گردان، دلهایمان را از زنگار خطاها مبرا ساز و لوح ضمیر را از پلیدیها و ناهنجاریها فرو شوی، پروردگارا، تو خود شایستگی پذیرفتن چنین مزایایی را به ما ارزانی دار.

علی سامی

به خواننده عزیز

در تاریخ جهان کمتر ملتی چون ایران یافت می‌شود که حیات ملی و فرهنگ و هنر خود را در برابر طوفانهای خانمان‌برانداز و ناگواریهای دشوار تاریخ و تاخت و تازهای ویران‌کننده نگاهداری کرده باشد. یا پس از دگرگونیهای وحشتناک و گذشت از سراشیبیها، به طرز درخشان‌تر و پربارتری نمودار شده باشد. این پایداری و پابرجایی را به هیچ چیز نمی‌توان تعبیر کرد، مگر به خصیصه ملی ایرانی و نیروی خلاقه و شگرف نیاکان و درگذشتگان این مرز و بوم، که پس از هر دگرگونی و مصیبت‌های گرانباری که از آمد و رفت گروه‌های مهاجم بیگانه، چون مقدونی و ترک و تاتار، گریبانگیر این ملت کهنسال شده، مردانه قد برافراشته و با مصالح تازه‌تری فرهنگ و تمدن خود را از ورطه نابودی رهایی بخشیده و آن را برای الهام‌بخشی تمدن جهانی با جلاتر و حساس‌تر ساخته است.

دانش و فرهنگی که امروز در دنیا به صورت کلی و واحدی درآمده و به تمدن مغرب‌زمین معروف شده است، میراث مشترک کشورها و اقوامی است که هرکدام به نوبه خود در هزاره و سده‌های خیلی پیش از این، بنیان‌گذار تمدن بشری بوده‌اند. سهم بعضی از این کشورها که جز آثار و نامی از پاره‌ای از آنها چیز دیگری باقی نمانده، بیشتر و برخی کمتر است، و این بیشی و کمی هم از روی آثار و اسناد به جا مانده از آنها، اندازه‌گیری می‌شود. خوشبختانه ایران عزیز، کشور ارجمند ما، در این میانه سهم به سزایی دارد، هم از لحاظ تمدن کهنسال خود و هم از این نظر که تمدنهای کهنسال دوران پادشاهی هخامنشی و ساسانی را جمع‌آوری و پاسداری کرد، با هم مرتبط ساخت و نقش عمده و شگرفی در این مورد بازی کرد.

ساکنان این دیار، روزگار بس درازی که از فرط طول زمان به هزاره و سده آن را تقسیم‌بندی نموده‌اند. مشعل دار و پاسدار تمدن و فرهنگ جهان بوده‌اند. پرچم اقتدارشان در اقصی نقاط خاور و باختر و شمال و جنوب در اهتزاز بود. پشت جابره آشور و لیدی و فراعنه مصر را به خاک رسانیدند. خاقانهای چین و ترک و پادشاهان هند و بابل، پیشانی اطاعت بر این آستان می‌سودند. آوازه شهرت دانشمندان و هنرمندانش اطراف و اکناف عالم را از چین تا اسپانیا گرفته بود.

در هر گوشه و کنار این سرزمین کهنسال آثار و اسناد زنده‌ای مربوط به این دورانهای درخشان بیادگار مانده است که هر خشت و سنگش مانند یک کتاب‌قطر، تاریخ تمدن و هنر این دیار را نمودار و بسیاری از آنها خود صفحات گویا و بی‌خدشه و تحریف می‌باشد که بیننده را مجذوب و بی‌اختیار وادار به تحسین می‌نماید.

چنین ارج پایگاهی، تو را در برابر وظیفه خطیر و بزرگی قرار داده است. از آدم اصیل و حسب و نسب‌دار انتظاراتی است، که از تازه‌به‌دوران رسیده‌ها نیست، تو وارث مظاهر و آثار تاریخی گرانمایی از نیاگان با فروشکوه خود می‌باشی، تاریخی که چند هزار سال می‌درخشد و چند صد سال است وقت و دقت گروهی دانشمند و باستان‌شناس و مراکز عملی و دانشگاهی و هنری جهان را متوجه خود ساخته و آثارش کتابخانه‌ها و موزه‌های بزرگ جهان را به زیور خود آراسته است.

افراد ایرانی نباید از شناسایی و ارزیابی فرهنگ و هنر گذشته خود غافل باشند. اساس و وسیله پیشرفت در مراحل تمدن امروزی معرفت به کارهای هنری گذشتگان است و یکی از شرایط میهن‌دوستی دانستن تاریخ و شاهکارهای هنری و ابتکارات فرهنگی گذشته است.

تو باید با افتخار و مباهات و اتکا به این گنج شایگان، به مدد کوشش و همت در راه فرا گرفتن دانش و هنر و آراستن خود به فضیلت و تقوی و صفات نیک‌مردی، همگام کاروان تیزرو ملل متمدن امروزی گردیده، و بالتیجه فرزندی شایسته و لایق آن پداران و نیاگان ارجمند دنیای باستان باشی.

دنیای امروز را مردان دیروز ساخته‌اند. مجموعه علوم و فنون، و مسائل و تجهیزات زندگی، سازمانهای اجتماعی و تمامی مظاهر تمدن بشر نتیجه تلاش و

کوششی است که پیشینیان به خرج داده‌اند. هر روز به حقیقتی تازه آشنا شده راهی جدید به طرف سعادت گشودند و بر آنچه بود چیزی افزودند و دنیایی بهتر ساختند و پرداختند تا به دست ما رسید. امروز هم هر کس همین وظیفه را برای فردای آیندگان دارد و این فلسفه‌ای از زندگی بشر و تکلیف افراد است، در دوران چند روزه زندگی.

«در جوانمردی و سلحشوری، در جنگ و در
کارهای زمان صلح، در صنعت و معماری، سلسله
ساسانی حقیقتاً یکی از بزرگ‌ترین و
درخشانده‌ترین ادوار تاریخ ایران است.»

کریستی ویلسون

نویسنده تاریخ صنایع ایران